

اصول دوست یابی از منظر اهل بیت (علیه السلام)

اکرم رشیدی^۱

چکیده

یکی از مهم ترین انتخاب های زندگی انسان، انتخاب دوست و هم نشین است که باید در آن به ویژگی های یک دوست خوب دقت داشت. از منظر اهل بیت (علیه السلام)، انتخاب دوست براساس ایمان و تقوا، بر پایه صداقت، خیرخواهی، و حفظ حرمت و شخصیت دوستان استوار است. بر اساس آموزه های اهل بیت، دوستی باید بر اساس ایمان و در راه خدا باشد و از دوستی با افراد فاسد و کسانی که از ما رویگردانند، پرهیز شود. همچنین، مشورت با دوستان و خیرخواهی برای آنها، از عوامل مهم تحکیم دوستی است، به شرط آنکه این خیرخواهی به صورت پنهانی و به دور از تحقیر و توهین به شخصیت دوست باشد. هدف از نگارش این پژوهش تبیین اصول دوست یابی و تأکید بر این که انتخاب دوستان نیکو نه تنها به تقویت ایمان و اخلاق فرد کمک می کند، بلکه می تواند به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و ایجاد فضایی سالم در جامعه منجر شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه ای تالیف شده است.

کلیدواژه ها: اصول، دوست یابی، اهل بیت (علیه السلام).

مقدمه

دوست یابی از منظر اهل بیت (علیه السلام) براساس آموزه های دینی، امری مهم و ارزشمند است که می تواند در رشد و تعالی فردی و اجتماعی نقش زیادی داشته باشد. انتخاب دوست صالح و شایسته و دوری از دوستان ناباب، از سفارش های اکید اهل بیت می باشد. از منظر اهل بیت، اصول دوست یابی بر پایه چند محور اساسی استوار است: ایمان و تقوا، اخلاق نیکو، خیرخواهی و دلسوزی، قلانیت است. این اصول، راهنمای مومنان در گزینش رفیقانی است که در راه سعادت دنیا و آخرت یاور و همراه باشند. دوست یابی از منظر اهل بیت (ع) بر اساس اصول اخلاقی و تعالیم اسلامی استوار است و شامل انتخاب دوست صالح، خیرخواهی و دلسوزی برای یکدیگر، مدارا

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

و گذشت، مشورت و همکاری، وفاداری و صداقت، و همچنین حفظ آبروی یکدیگر هستند. هدف از این دوستی‌ها، رشد و تعالی معنوی و اخلاقی افراد و کمک به یکدیگر در مسیر رسیدن به سعادت است. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به‌صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند. از جمله در مقاله: مرزه و عوامل دوستی از منظر اهل بیت (علیه السلام)، مولف: عبدالکریم پاک‌نیا، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۴ در این مقاله به مرزه‌ها و عوامل دوستی از منظر اهل بیت (ع) پرداخته است. در مقاله: دوستی و دوست‌یابی در سیره معصومین (علیه السلام)، مولف: نجمه کرمانی، نشریه شمیم یاس، ۱۳۸۴ در این مقاله به دوستی و دوست‌یابی در سیره معصومین (علیه السلام) پرداخته است. در مقاله: دوستی و دوست‌یابی در سیره معصومین (ع)، مولف: نجمه کرمانی، مجله پیام زن، ۱۳۹۳ در این مقاله به سیره‌ی عملی و رفتاری حضرات معصومین (علیه السلام) پرداخته شده است. هدف پژوهش حاضر، اصول دوست‌یابی از منظر اهل بیت است. در این مقاله حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم کلیدی پژوهش دوست، به اصول دوست‌یابی از منظر اهل بیت در این جهت پرداخته شده است. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن‌کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- اصول دوست‌یابی از منظر اهل بیت چیست؟

۱- مفهوم‌شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- دوستی

دوستی در لغت به معنای خیرخواهی، رفاقت و یاری رساندن است و دوستی آشنایی توأم با مهر و محبت و ارتباط عاطفی دو تن با یکدیگر است. (انوری، ۱۳۸۱، ص ۳۴۰۸) و مقابلش خصومت و دشمنی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲۴۴) و در اصطلاح نیز به همین معنی آمده است:

در کتاب المحجۃ البیضاء، دوستی چنین تعریف شده است: (دوستی یعنی همنشینی، معاشرت و گفتگوی انسان با افرادی که به آنها علاقه و محبت دارد، زیرا با غیر دوست معمولاً کسی قصد معاشرت ندارد. این دوستی و ارادت و محبت یا لذاته است و یا مجازی و واسطه‌ای است که انسان به وسیله‌ی آن به دوست حقیقی برسد. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۳)

در تفسیر المیزان در تفسیر کلمه‌ی (أخلاء)، دوستی چنین تعریف شده است: کلمه‌ی أخلاء جمع خلیل به معنای دوست است. و اگر دوست را خلیل گفته‌اند بدان جهت است که آدمی، خُلَّت یعنی

حاجت خود را به او می گوید. و ظاهراً مراد از اخلاء، مطلق کسانی است که با یکدیگر محبت می کنند. چه متقین و اهل آخرت که دوستی شان با یکدیگر به خاطر خداست (نه به خاطر منافع مادی) و چه اهل دنیا که دوستی هایشان به منظور منافع مادی است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱)

بنابراین دوستی ها ممکن است بر اساس منافع مادی و خواهش های نفسانی و اغراض و احساسات باشد و یا بر اساس يك انگیزه ي صحيح. با استفاده از آنچه گذشت، دوستی صحیح بر اساس معیارهای دینی را اینچنین تعریف می کنیم:

محبت، علاقه، ارتباط روحی، حسن معاشرت و گفتگو میان دو فرد و یا بین افراد جامعه با ملاک صحیح و انگیزه ای الهی به طوری که دوستان بر اساس آن بتوانند نیازهای فردی و اجتماعی و احتیاجات دنیوی و اخروی خود را تأمین کنند.

۲- اهمیت دوستی و دوستان

دوستی و ارتباط با دیگران اگر به صورت صحیح انجام گیرد، هم از نظر عقلی و هم از نظر دستورات دینی امری پسندیده است. توجه به موارد زیر اهمیت و شعاع تأثیر دوستی و دوستان را بیشتر مشخص می کند:

الف) در روز قیامت ظالمان در حالی که پشیمان شده اند، می گویند: ای کاش با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست شده بودیم، وای بر ما! ای کاش فلان کافر را به دوستی بر نمی گزیدیم. (فرقان، ۲۷-۲۸)

ب) از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انسان با ایمان با دیگران انس می گیرد و دیگران نیز با او انس می گیرند و کسی که چنین نباشد خیری در او نیست. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۷)

ج) امام علی علیه السلام می فرماید: دوست هرکس نشانگر عقل اوست. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۸)

د) پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: هرگاه خداوند بخواهد به کسی چیزی عطا کند، یک دوست خوب نصیبش می کند. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۸)

ه) درباره اهمیت دوست و دوستی در ضرب المثلها و گفتارهای عامیانه نیز موارد زیادی هست که به دو نمونه از آنها اکتفا می کنیم: «هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار» «تو اول بگو با کیان دوستی، من آن گه بگویم که تو کیستی؟»

۳- جایگاه دوستی

اینکه گفته اند: «هزار دوست، کم است و یک دشمن، بسیار»، سخن درستی است؛ زیرا دوستی هم نیاز روحی انسان است، هم ضرورت اجتماعی و هم عامل هم بستگی افراد. روح جمع گرای انسان، او را به مهرورزی و دوستی می کشاند و همچنین بهره گیری از یاری و ارشاد دوستان در زندگی، میزان تحمل مشکلات و توفیق دست یابی وی به اهداف را بیشتر می کند و برای او پشتوانه ای ارزشمند به شمار می آید.

این، خود، نوعی هنرمندی است که آدمی بتواند با جاذبه اخلاق و رفتار، با دیگران بجوشد و صمیمی و همدل شود و دل ها را شیفته خود سازد و حلقه ای از بهترین دوستان را بر گرد خود پدید آورد. این کار، هم هنرمندی است و هم خردمندی، چنان که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «الَّتَوَدُّ نِصْفَ الْعَقْلِ»؛ «دوستی و مهرورزی، نیمی از خرد است.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲)

رابطه های خویشاوندی، در کمک رسانی و غم زدایی و پشت گرمی هر فرد، نقش مهمی ایفا می کند. با این حال، گاهی دوستان همدل و با صفا، بیش از خویشاوندان به یاری انسان می شتابند و تکیه گاه و همدم او می شوند. از این رو، حضرت علی علیه السلام، مهرورزی و دوستی را نوعی خویشاوندی و پیوند نزدیک و ثمربخش می شمارد (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱) و نداشتن دوست یا از دست دادن دوست را غربت روح می داند و می فرماید: «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ»؛ «غریب، کسی است که دوستی ندارد.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

۴- دوستی و دوست یابی در سیره ی معصومین (علیه السلام)

از جمله مسائلی که در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته مسئله ی دوستی و دوست یابی است و در سیره ی معصومین (علیه السلام)، نیز سفارش بسیاری به دقت در انتخاب دوست شده است. قرآن کریم در این خصوص می فرماید: «وَقَيُّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ»؛ «ما برای آنان همنشینانی قرار دادیم که زشتی ها را از پیش رو و پشت سر آن ها در نظرشان آراستند و فرمان الهی درباره ی آن ها تحقق یافت.» (فصلت/ ۲۵)

پیامبر اسلام نیز در جمله ای کوتاه و رسا به حساسیت دوستی و دوست یابی اشاره کرد و می فرماید: «المرء علی دین خلیله و قرینه»؛ «انسان بر کیش دوست و همنشین خود است.» (مجلسی، ج ۷۴، ص ۱۵۴) این نوشتار کوتاه بر آن است تا با نگاهی گذرا به سیره ی عملی و رفتاری اهل بیت (علیه السلام) اشاره شده است:

۱- رابطه ی روحی مشترک بین دوستان

دو دوست پس از این که با یک دیگر رابطه‌ی صمیمانه دوستی برقرار نمودند کم کم نسبت به هم انس پیدا می کنند، تا آن جا که ناراحتی و غم یکی، سبب ناراحتی دیگری می شود. دلیل آن هم این است که رابطه‌ی دوستی، نوعی ارتباط عاطفی و روحی با یک دیگر است و این رابطه سبب می شود تا دوستان در غم و شادی هم شریک باشند و از همین روی، در مشکلات و سختی ها نیز به کمک یک-دیگر بشتابند. در این باره نوشته اند روزی جابر بن یزید جعفی در محضر امام باقر (علیه السلام) نشست بود. پس از اندکی گفت وگو، در حالی که هر دو سکوت کرده بودند، ناگاه غمگین شد و آهی کشید. از امام پرسید: گاه بدون این که اتفاق ناگواری افتاده باشد دلم می گیرد و اندوهگین می شوم به گونه ای که آثار آن در چهره من پدیدار می شود در حالی که نه مصیبتی به من رسیده و نه چیز ناراحت کننده ای برای من پیش آمده است، دلیل آن چیست؟

امام فرمود: آری ای جابر جعفی، پروردگار، انسان های بهشتی را از گلی بهشتی و مبارک آفرید و از نسیم روح خویش در آن دمید. به همین دلیل است که مؤمنان با همدیگر دوست و برادرند. بر این اساس حتی اگر در شهری دور، به دوست مؤمن انسان، آسیب و یا مصیبتی برسد روح دوستش نیز اندوهگین می شود زیرا؛ روح های آنان به دلیل ایمان، با یک دیگر در ارتباط است، تا بدین وسیله همواره به خاطر دوستی شان از حال هم با اطلاع باشند. (کلینی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶)

۲- زیبایی دوستی با خوبان

در ارتباطات عاطفی، گاه دوستی از مرحله‌ی احساسات فراتر رفته و فرد با دیدن فضایل اخلاقی دوست خود آن چنان ارتباط تنگاتنگی با او برقرار می کند که دوری او را نمی تواند تحمل نماید. این موضوع در زندگانی اهل بیت عصمت و طهارت نیز به چشم می خورد. در دوره ای از زندگانی آنان، فشارهای دشمنان به قدری زیاد می شود که همگان از آن ها بریده و جز تعداد اندکی، به دوستی با آنان ادامه نمی دهند. این موضوع در بسیاری موارد از جمله در مورد امام مجتبی (علیه السلام) در هنگام شهادت دیده می شود. نوشته اند: «امام حسن در بستر شهادت آرمیده بود و حاضران در کنارش نشسته و می گریستند. ناگاه اشک او توجه حاضران را جلب کرد. یکی از حاضران که در کنارش نشسته بود. از او پرسید: ای فرزند رسول خدا! چرا شما گریه می کنید با این که فرزند پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) هستید و آن حضرت در شأن و جایگاه بلند شما بسیار سخن گفته و ۲۵ بار با پای پیاده از مدینه تا مکه به زیارت خانه ی خدا رفته اید و سه مرتبه تمام مال خود را در راه خدا انفاق نموده اید و حتی کفش هایتان را به مستمندان داده اید. با این وصف دلیل گریه شما چیست؟ امام مجتبی (علیه السلام) با بغضی در گلو فرمود: به دو دلیل؛ نخست به دلیل ترس از روز رستاخیز و دوم به خاطر این که از دوستان خوبم که در این دنیا با آنان دوست شدم جدا می شوم.» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۰) این سخن کوتاه امام نشان می دهد که اساساً دوستی با نیکان تا چه اندازه ارزشمند است. همچنان که

هر روز دوستان زیادی را برای خود کسب کند. برای همین علی علیه السلام ناتوان ترین افراد جامعه را کسانی می داند که از به دست آوردن دوست و رفیق همدل، عاجز و ناتوانند.

أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ (نهج البلاغه، حکمت ۱۲)؛ ناتوان ترین مردم کسی است که از یافتن دوست، ناتوان باشد و عاجزتر از او هم کسی است که دوستی را که به دست آورده، از دست بدهد. لقمان به فرزندش گفت: يَا بُنَيَّ إِتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَ أَلْفَ قَلِيلٍ وَ لَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَ الْوَاحِدُ كَثِيرٌ (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۴۱۴)؛ پسر من! برای خود هزار دوست بگیر؛ چرا که هزار دوست کم است. و یک دشمن بگیر؛ چرا که یک دشمن هم زیاد است. و امام علی (علیه السلام) فرمود: لَيْسَ كَثِيرًا أَلْفُ خَلٍّ وَ صَاحِبٍ وَ إِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ (نهج البلاغه، خطبه ۸۳)؛ هزار دوست و همنشین بسیار نیست؛ ولی یک دشمن برای آدمی البته زیاد است.

۶-۸- مشورت و همکاری

یکی از مهم ترین فوائد داشتن دوستان خوب، هم فکری با آنان است. گاهی انسان قادر به تصمیم گیری نیست؛ در چنین مواقعی می توان با دوستان صالح و نیک اندیش مشورت نمود و از نظرات آنان در پیشبرد اهداف خویش بهره گرفت. کسانی که با دوستان شایسته و خوب مشورت می کنند، در کارهایشان پیشیمان نخواهند شد. امام جواد (علیه السلام) فرمود: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَنْدَمْ: تَرَكَ الْعَجَلَةَ وَ الْمَشُورَةَ وَ التَّوَكُّلَ عِنْدَ الْعَزْمِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (الفصول المهمه، ص ۲۷۴-۲۷۵) سه خصلت در هرکسی باشد، از کار خود پیشیمان نمی شود: ۱. در کار خود عجله نکند؛ ۲. مشورت و هم فکری با دوستان و نزدیکانش داشته باشد؛ ۳. هنگامی که کاری را قصد می کند، بر خداوند عزوجل توکل نماید.

مشورت با دوستان در تحکیم ارتباط نیز مؤثر است؛ چرا که انسان در مشورت، علاوه بر اینکه از نظرات دیگران بهره می برد، برای دوستان خود نیز شخصیت و احترام قائل می شود و مطمئناً احترام به دیگران، افزایش محبت آنان را در پی خواهد داشت. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت علیهم السلام در بیان آنچه برادری بر اساس آن قرار دارد و دوستی بر پایه های آن استوار است به هیچ روی فروگذاری نکرده و مردم را بدان ها آگاه و تشویق فرموده اند. چه رعایت آنها موجب مزید استحکام روابط برادری و پیوندهای دوستی در میان افراد اجتماع است. ما بزودی برخی از این مقومات و ارکان دوستی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) امامان اهل بیت (علیه السلام) در سخنان جاوید خود بدانها تصریح کرده اند از نظر خوانندگان می گذرانیم.

شاید زیباترین و دلپسندترین مظاهر وفاداری و دوستی دیدار دوستان از یکدیگر و جویا شدن حال ایشان در خانه آنها می‌باشد و این امر در دل دوستی که به دیدارش می‌روند بزرگترین اثر را به جا می‌گذارد چه این عمل نشانه دوستی صادقانه و گواه گرایش و هماهنگی و موجب استحکام پیوندهای برادری و دوستی است. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگوار فرموده است: دیدارها دوستی را می‌رویند» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۳۵۵) آن حضرت و ائمه (علیه السلام) بردید و بازدید و مراده تشویق فرموده و آن را از اعمالی شمرده اند که انسان را به خداوند نزدیک می‌گرداند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «فرشته ای مردی را دید که بر در خانه ای ایستاده است به او گفت: ای بنده خدا در این خانه چه حاجت داری؟ پاسخ داد: در آن دوستی دارم که می‌خواهم به او سلام کنم، فرشته به او گفت: میان تو و او پیوند خویشی نزدیکی است یا نیازمندی تو را به این کار وادار کرده است.

۶-۱۰- رازداری

برای دوست تو لذت بخش است که گاهی از اوقات اخبار خود را با تو در میان نهد و اسرارش را به تو بازگو کند. همچنین برای تو لذت انگیز است که به همین گونه با او رفتار کنی و اخبار و اسرار خویش را به او بسپاری، و در این امر بر او و بر تو باکی نیست زیرا این مقتضای طبیعت یاران و دوستان است. لیکن بر دوست که اسرار دوستت را محفوظ بداری و از افشای آنها به دیگران خودداری کنی زیرا اگر به چنین کاری اقدام کنی پیمان برادری و دوستی را نقض و به او خیانت کرده و فریض داده ای، و آن که به دوستش خیانت کند و او را فریب دهد دوست و برادر نیست چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «مجالس امانت است و روا نیست دوستی راز دوست خود را فاش کند.» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۲)

آن حضرت در وصیت خود به ابی ذر فرموده است: «ای ابذر مجالس امانت است و افشای راز برادر دینی خیانت می‌باشد.» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۹۱) امیرمؤمنان (علیه السلام) فرموده است: «به کسی که رازت را فاش کند اعتماد مکن.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۶۱) امام باقر علیه السلام فرموده است: «از جمله خیانتها آن است که راز دوستت را بازگو کنی.» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۸۹)

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرموده است: «بر ضد دوستت چیزی را بازگو مکن که او را بدنام کنی و جوانمردی او را از میانبری که در این صورت از جمله کسانی خواهی بود که خداوند در کتاب خود درباره آنها فرموده است: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نور، ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب

حکمت آمیزی است که مایه مزید هدایت او شود و یا او را از طریق هلاکت باز گرداند». (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۸)

نتیجه گیری

در این مقاله به آنچه که گفته شد به این نتیجه دست یافتیم که دوستی و انتخاب دوست به عنوان یک موضوع مهم و اساسی مورد توجه قرار گرفته است. لذا از منظر اهل بیت، دوست یابی باید با دقت و براساس معیارهای اخلاقی و دینی انجام شود، دوست باید فردی صالح، خیرخواه و امین باشد و دوستی او نباید موجب انحراف از راه الهی شود. دوست خوب کسی است که در سختی‌ها و شادی‌ها همراه انسان باشد، در غیاب او آبرویش را حفظ کند و در همه حال خیرخواه او باشد. همچنین، دوستی باید بر اساس معیارهای دینی و اخلاقی شکل گیرد و از دوستی با افراد فاسد و منحرف پرهیز شود. در نهایت، با هدف از بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در زمینه دوست‌یابی، می‌توان به ارتقاء فرهنگ اجتماعی و ایجاد روابط انسانی سازنده و معنی‌دار در جامعه کمک کرد. این امر نه تنها به بهبود کیفیت زندگی فردی منجر می‌شود، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقاء ارزش‌های انسانی نیز کمک می‌کند. لذا، توجه به این اصول در دنیای معاصر که روابط انسانی تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ و آگاهی از اصول و معیارهای دوست‌یابی می‌تواند به افراد کمک کند تا محیطی سالم و مثبت برای رشد و پیشرفت خود و دیگران ایجاد کنند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- ابن شعبه، ح، (۱۳۹۲)، تحف العقول، نشر: اندیشه مولانا.
- ۲- انوری، ح، (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، نشر: سخن.
- ۳- ابوالفرج الف، علی بن الحسین، (۱۴۱۹ ه-ق) مقاتل الطالبیین، بیروت، موسسه اعلمی مطبوعات.
- ۴- تمیمی آمدی، ع، (۱۴۱۰ ق)، غررالحم و درالکلم، نشر: دارالکتب الاسلامی.
- ۵- دهخدا، ع، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، نشر: روزنه، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- سجادی، م، (۱۳۸۶)، می‌خواهم خوشبخت باشم، نشر: مرکز فرهنگی شهید آیت الله مدرس.
- ۷- طباطبایی، م، (۱۳۷۸)، تفسیرالمیزان، نشر: امیر کبیر.
- ۸- فیض کاشانی، م، (۱۳۸۴)، المحجه البیضاء، نشر: حسنین.
- ۹- کلینی، م، (۱۳۸۷)، اصول کافی، تهران، کتابفروشی علمی اسلامی.
- ۱۰- مجلسی، م، (۱۳۶۸)، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۱- مظاهری، ح، (۱۳۷۰)، جهاد با نفس، نشر: پژوهشگر برتر.